

# دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس جلسه ۱۵، باستان‌شناسی و ظهور سلطنت بنی اسرائیل، سائول.

جفری هادون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جفری هادون هستم در تدریسش در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه ۱۵ باستان‌شناسی و ظهور سلطنت بنی اسرائیل است، سائول.

بحث خود را در مورد باستان‌شناسی و ظهور سلطنت اسرائیل با چند اسلاید دیگر در مورد فلسطینیان یا مردمان دریا آغاز می‌کنیم.

و باز هم، تا آنجا که ما می‌دانیم، فلسطینیان، چه از طریق خشکی و چه مطمئناً از طریق دریا، در پایان عصر برنز متأخر به شهرهای ساحلی کنعان حمله کردند و پنج پایتخت یا مرکز مانند یک شهر یونانی تأسیس کردند که به طور سستی متحد بودند و اینها اکرون، گات، اشدود، اشکلون و غزه بودند. و بنابراین، آنها همچنان می‌خواستند به سمت شرق پیشروی کنند تا زمین برای کشت محصولات کشاورزی به دست آورند، در حالی که بنی اسرائیل در مناطق کوهستانی می‌خواستند به سمت غرب پیشروی کنند تا همان مناطق زمین را در شغله یا دامنه کوه‌ها به دست آورند. و بنابراین، دوباره این درگیری بین دوازده قبیله بنی اسرائیل، به ویژه یهودا و فلسطینیان وجود دارد.

ما سایت به سایت پیش خواهیم رفت و در مورد مکان‌های باستانی فلسطینی و مکان‌های اصلی فلسطینی صحبت خواهیم کرد، اما در اینجا تصویر یک هنرمند از یک بازار فلسطینی در اشکلون، که احتمالاً یکی از شهرهای فلسطینی است که به طور گسترده کاوش شده است، و همچنین برخی از سفال‌های فلسطینی را مشاهده می‌کنید. بنابراین، ایده‌ای که مدت‌هاست باستان‌شناسان در مورد فلسطینی‌ها دارند این است که شما مراکز کنعانی، شهرهای بزرگ کنعانی را دارید که در پایان دوره برنز متأخر، حدود سال ۱۲۰۰ میلادی نابود شده‌اند و سپس توسط مردمان دریایی، مردمانی از دریای اژه، با فرهنگ مادی کاملاً متفاوت، دوباره مسکونی شده‌اند. و این مردم شامل گروهی به نام فلسطینی‌ها می‌شدند.

اولین مورد، البته، اکرون است. ما قبلاً شاهد اجرای یک هنرمند از معبد عظیمی بودیم که در آنجا در تل مقنه کشف شد. اینها مدیران پروژه، سیمور گیتین و مرحوم ترودی دوتان از دانشگاه عبری هستند.

این کتیبه بزرگی بود که در نزدیکی پایان حفاری پیدا شد و محل را مشخص کرد. در آن از اکرون و همچنین اخیش، نام اخیش، که البته در متن قدیمی‌تری در کتاب مقدس شناخته شده است، نام برده شده است. اکرون، تل مقنه، نیز شهری بسیار بزرگ بود.

شما یک شهر بالای داشتید، اما سپس، در قرن هفتم، گسترش یافت و به یکی از بزرگترین تولیدکنندگان روغن زیتون در خاورمیانه تبدیل شد، احتمالاً بزرگترین تا آنجا که ما می‌دانیم. ما چندین بار گات را دیده‌ایم، و دوباره یک مجموعه سفال فلسطینی دیگر مربوط به قرن نهم که از زیر خاک بیرون آورده شده است. و البته، محراب و تصاویر محل گات یا تل اس-صفی.

و این بیل مکانیکی است که آن مجسمه را در دست دارد و نام جالوت را ذکر می‌کند. این آرون مایر از دانشگاه بار-ایلان است. و اشدود، و باز هم، این مرکز اداری آشوری در خارج از دیوارهای اشدود است که اخیراً کشف شده است.

یک الهه بسیار مشهور به نام اشدود که البته ساخته دست موشه دوتان، کاوشگر، در اشدود پیدا شد. و تصویری از کاوش‌ها در دهه ۱۹۶۰. ضمناً اشدود نیز شهری ساحلی است، اما نه دقیقاً در ساحل دریا.

چند مایل، چند مایل، این مکان را از ساحل دریا جدا می‌کند. بنابراین، بندری به نام اشدود-یام نیز وجود داشته که در دوران باستان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. و اشکلون، باز هم، یک شهر بسیار مهم فلسطینی درست در خط ساحلی بوده است.

و اینجا می‌توانید خندق و ردیف دیوارها از عصر برنز میانی را ببینید، نوعی مسیر کمانی شکل از آن دیوارها. و در اینجا حفاری شده، خندق و دیوار گلاسی اینجا، و دروازه برنز میانی، که بازسازی شده است. بنابراین یافته‌های جالب زیادی از اشکلون، یک حفاری بسیار بزرگ، با بودجه خوب، و دوباره به رهبری لری استیجر در سمت چپ و به دنبال آن دن مستر.

و این عملیات فقط چند سال پیش در اینجا متوقف شد. باز هم، غزه، یکی دیگر از شهرهای ساحلی، به خوبی کاوش نشده است زیرا تا به امروز ساخته شده است. بنابراین، کمی بیشتر در مورد فلسطینیان

آنها آن پنج دولت‌شهر یا مجموعه‌ای از پولیس یا هر شکل جمع پولیس را تأسیس کردند که نه توسط یک پادشاه، بلکه توسط یک ارباب یا به زبان عبری، سارون، اداره می‌شد. سارون یک اصطلاح، احتمالاً یک اصطلاح اژه‌ای بود که به عبری ترجمه شده بود. فلسطینیان در متالورژی بسیار پیشرفته بودند و در ابتدا انحصار آهن را داشتند، بنابراین تمام ارتش‌های فلسطینیان به نیزه‌های آهنی، شمشیرهای آهنی و سلاح‌های آهنی مجهز بودند، در حالی که بنی‌اسرائیل و سایر دشمنان مجبور بودند با برنز سر و کار داشته باشند.

بنابراین، این بسیار مهم است، و اگر یک کشاورز اسرائیلی یک گاوآهن آهنی داشت، همانطور که در کتاب اول سموئیل ذکر شده است، او مجبور بود برود و آن گاوآهن را توسط یک آهنگر فلسطینی تیز یا تعمیر کند، زیرا بنی‌اسرائیل به سادگی آن فناوری را نداشتند. فلسطینی‌ها که در فرهنگ مادی، یا ببخشید، در فرهنگ مادی معماری و سفالگری بسیار توسعه یافته بودند، معادل فرهنگی پاریس و نیویورک در دوره داوران بودند. ما دیگر از این اصطلاح استفاده نمی‌کنیم، اما اصطلاح در انگلیسی، انگلیسی قدیمی‌تر، فلسطینی، به معنای بی‌فرهنگ یا ناآشنا بود، اما در واقع برعکس بود.

بنی‌اسرائیل در واقع تپه‌نشین‌ها، مردمی بی‌فرهنگ بودند. فلسطینی‌ها بافرهنگ و از طبقه‌ی بالای جامعه و از نوع روشنفکران بودند. بنابراین، اگر خودتان را جای سامسون یا کسی که در آن روستاهای روستایی و تپه‌ای زندگی می‌کند بگذارید و به چراغ‌های تیمنا یا اکرون یا گات نگاه کنید و معابد و معماری و زندگی شبانه‌ی فوق‌العاده‌ای را که در آنجا جریان دارد ببینید، جذب آن می‌شوید.

و این ایده‌ای است که فرهنگ مادی و مصنوعات که در محوطه‌های فلسطینیان کاوش کرده‌ایم، ارائه می‌دهند. سفالگری فلسطینیان مراحل مختلفی را طی کرده است.

این به جورایی برای خنده‌ست که از اینترنت برداشتم. اما این سخنرانی نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو در مورد سفالگری فلسطینی‌هاست. نه واقعاً.

اما به هر حال، مرحله اول سفالگری تک رنگ بود، که همان سفالگری میسنی از دریای اژه است. سپس سفالگری دو رنگ رو به زوال رفت. و در نهایت، ظروف تزئین شده اواخر دوران فلسطین

این نوعی مرحله از توسعه سفالگری فلسطینیان در طول قرن‌ها است. و می‌توانید چند نمونه را اینجا ببینید، یک کوزه آبجو، و برخی اشکال دیگر. باز هم، آنها اهداف مشابهی را دنبال می‌کنند، کوزه رگابی و دهانه و غیره.

آنها اهداف مشابهی را به عنوان سفال برای سایر اقوام، از جمله بنی‌اسرائیل، ارائه می‌دهند، اما از نظر شکل ساخت، ساختار واقعی سفال و البته پرداخت نهایی بسیار متمایز هستند.

بسیار خوب، حالا به سراغ بنی‌اسرائیل می‌رویم و به مکانی که قبلاً از آن بازدید کردیم، ایسپیت ساردا، برمی‌گردیم. چه تضاد جالبی.

این همان خانه چهار اتاقه و آن شترمرغ است که آنجا پیدا شد. قبایل بنی‌اسرائیل اتحاد بسیار سستی داشتند. آنها متحد نبودند.

فرهنگ مادی روستایی، باز هم، بسیار بسیار کاربردی است و فقط برای استفاده، برای استفاده از آنها، نه برای زیبایی یا ظاهر هنری‌شان. باز هم چند عکس از شیلو وجود دارد؛ البته، اینجا جایی است که سموئیل، استریپلینگ، ABR تحت نظر الی، کشیش، بزرگ شده است. و باز هم، اسکات، اسمش یادم نمی‌آید؛ او با وابسته است.

اسکات استریپلینگ در حال کاوش در منطقه شیلوه است و ادعا می‌کند که محلی را که خیمه مقدس، چادر ملاقات، در آن برپا شده بود، پیدا کرده است. بنابراین، روایت صندوق عهد، دوباره، بخشی از کتاب اول سموئیل درباره صندوق عهد است که توسط فلسطینیان به غنیمت گرفته شده و سپس از طریق دره سورک بازگردانده شده است. و سپس سرانجام قبل از اینکه داوود آن را به اورشلیم بیاورد، در خانه اینناداب در کیریات یاریم قرار گرفت.

این یک روایت جالب از، اساساً یک روایت الهیاتی از اینکه چگونه خدا در یک جعبه محدود نیست، ایجاد می‌کند. ما، مانند بنی‌اسرائیل، تمایل داریم که بگوییم، بسیار خوب، صندوق عهد با ماست. خدا با ماست. شما نمی‌توانید این کار را انجام دهید.

آنها این را به سختی آموختند، چرا که نابود شدند. ارتش توسط فلسطینیان نابود شد. در واقع، خود شیلوه همانطور که کاوش‌ها نشان داده‌اند، در آن زمان نابود شد.

بنابراین، فلسطینیان مستقیماً به منطقه کوهستانی آمدند و خود شیلوه را نابود کردند. اکنون، در این زمان، به نوعی در یک دوره گذار بین دوره داوران یا این رهبران کاریزماتیک، که یکی از آنها سموئیل بود، و، و، و با داشتن یک پادشاه، اسرائیل متزلزل بود، قبایل متزلزل هستند و می‌گویند، شاید ما به یک پادشاه نیاز داریم. و این یک متن مهم است، متن بسیار مهمی است، زیرا به ما ایده‌ای از معنای پادشاهی در آن زمان در خاور نزدیک باستان می‌دهد.

بیاید این کلمات را بخوانیم. با در نظر گرفتن این نکته، می‌توانیم باستان‌شناسی سلطنت را مطالعه کنیم.

سموئیل تمام سخنان خداوند را به مردمی که از او پادشاه می‌خواستند، گفت. او گفت، چه؟ این چیزی است که یک پادشاه، پادشاهی که بر شما سلطنت خواهد کرد، به عنوان حقوق خود مطالبه خواهد کرد. او پسران شما را خواهد گرفت و آنها را با ازابه‌ها و اسب‌های خود به خدمت خواهد گرفت و آنها در جلوی ازابه‌های او خواهند دوید. برخی را برای فرماندهی هزاران نفر و فرماندهان پنجاه نفر، برخی دیگر را برای شخم زدن زمین و، درو کردن محصول خود، و برخی دیگر را برای ساخت سلاح‌های جنگی و تجهیزات برای ازابه‌های خود، منصوب خواهد کرد.

او دختران شما را برای عطرسازی، آشپزی و نانواپی خواهد برد. بهترین مزارع، تاکستان‌ها و باغ‌های زیتون شما را گرفته و به خدمتکاران خود خواهد داد. او یک دهم غله و انگور شما را گرفته و به مأموران و خدمتکاران خود خواهد داد.

غلامان و کنیزان شما و بهترین گاوان و الاغان شما را برای استفاده خود خواهد گرفت. او یک دهم گله‌های شما را خواهد گرفت و شما خود برده او خواهید شد. وقتی آن روز فرا برسد، از پادشاهی که برگزیده‌اید، فریاد کمک خواهید زد، اما خداوند در آن روز به شما پاسخ نخواهد داد.

اما مردم از گوش دادن به سموئیل خودداری کردند. نه، آنها گفتند، ما پادشاهی می‌خواهیم که بر ما حکومت کند. آنگاه ما مانند سایر ملت‌ها خواهیم بود که پادشاهی دارند تا ما را رهبری کند و پیشاپیش ما برای جنگیدن بیرون برود.

:وقتی سموئیل تمام آنچه را که مردم گفته بودند شنید، آن را در حضور خداوند بازگو کرد. خداوند پاسخ داد: به سخنان آنها گوش کن و پادشاهی برایشان تعیین کن. و آن پادشاه، البته، شائول، از بنی‌بنیامین بود.

شائول، از هر نظر ظاهری، به نظر یک پادشاه می‌آمد. او خوش‌قیافه و قدبلند و جنگجوی قدرتمندی بود. او پادشاه شد.

، دو روایت در عهد عتیق از این موضوع وجود دارد. او پایتخت خود را در مکانی به نام جبعه یا گیوات شائول که به نام خودش نامگذاری شده بود، قرار داد. همانطور که قبلاً اشاره کردیم، گمان می‌رود که آنجا محل تل الفول، در شمال اورشلیم، در جاده رام‌الله باشد.

ما در اینجا به کاخ ناتمام شاه حسین اشاره کردیم. این تصویر یک هنرمند از کاخ شائول است که احتمالاً به چه شکلی بوده است. تنها یک گوشه، برج و چند دیوار دیگر، ابتدا توسط آلبرایت و سپس توسط پل لاپ. قبل از اینکه حسین ساخت و ساز را آغاز کند، کاوش شده‌اند.

و باز هم، به خصوص در مورد آلبرایت، سوابق به خوبی انجام نشده بود. لایه‌شناسی کنترل نشده بود. و بنابراین، دانستن دقیق تاریخچه کامل این مکان، دقیقاً زمانی که چیزها ساخته شده‌اند و نحوه چیدمان آنها دشوار است.

اما اینجا یک عکس عالی از گوشه برج شائول در جبعه وجود دارد. و حالا بعد از آن همه سال، همه جا پر از ساختمان‌های پرجمعیت، ساختمان‌های بلند و هر چیز دیگری است. داوود و جالوت.

باز هم، درس‌های الهیاتی و ایمانی زیادی در اینجا وجود دارد. اما بیایید نگاهی به داده‌های باستان‌شناسی بیندازیم. تقریباً در همین زمان، ایده قهرمانان دو طرف یک درگیری، دو ارتش که بیرون می‌روند و تن به تن به یکدیگر حمله می‌کنند، در دریای اژه رایج بود.

این موضوع توسط محققان و متون مختلف نشان داده شده است. همچنین، جالوت، همانطور که از نامش پیداست، فلسطینی یا اژه‌ای نبود. او احتمالاً یک مزدور و احتمالاً محلی بود.

او اهل گات بود و احتمالاً اجدادش قبل از آمدن فلسطینی‌ها به این منطقه در گات بودند. و احتمالاً او از نسل غول‌هایی بود که در سفر پیدایش و متون دیگر از آنها یاد شده است، یعنی نفلیم‌ها یا پسران عناق یا عناقیم و دیگران. این احتمالاً یکی از نوادگان آنها بود که مرد بسیار بسیار بزرگی بود.

ما قبلاً تصاویری از دره الیه دیده‌ایم. و تصویر دیگری هم آنجا هست که صف‌آرایی ارتش‌ها و این نبرد شخصی، که بین داوود و جالوت رخ داد را نشان می‌دهد. حالا، وقتی داوود پس از کشتن جالوت به شائول خدمت کرد، شائول حسادت کرد و داوود گروهی از پیروان، ارتش شخصی داوود، را رهبری و سازماندهی کرد و آنها به بیابان یهودا، به مناطق شرق اورشلیم و بیت‌لحم و حبرون رفتند.

و جای بسیار خوبی برای پنهان شدن. و آنها از شائول پنهان شدند زیرا شائول آنها را تعقیب می‌کرد و از روی حسادت می‌خواست داوود را بکشد. و البته داوود در نهایت به جت رفت و به پادشاه جت، اخیش، خدمت کرد و محل شهر داوود به او داده شد، که ببخشید، کمی بعد به آن فکر خواهیم کرد.

و قرار بود او به شهرک‌های اسرائیلی حمله کند. در واقع او به شهرک‌های عملیاتی‌ها حمله می‌کرد. و این بخش عمده‌ای از دوران کاری او تحت سلطه فلسطینیان بود.

حالا، در نهایت، قرار بود او و افرادش فلسطینی‌ها را برای جنگ با بنی‌اسرائیل در دره جزریل همراهی کنند. و خوشبختانه، آنها به اندازه کافی به او اعتماد نداشتند که این کار را انجام دهند. او از آن درگیری کنار گذاشته شد، که منجر به مرگ شائول شد.

و البته، آن اتفاق در کوه جلبوع رخ داد. و این، باز هم، انتخاب خدا برای پادشاهی نبود، بلکه انتخاب اسرائیل برای پادشاهی بود. و پسرش، یوناتان، کشته شد.

و در واقع، شائول خودکشی کرد. و آن شکست از فلسطینیان در جلبوع، ضایعه بسیار بزرگی برای اسرائیل بود. و این به سلطنت شائول پایان داد.

متشکرم.

من دکتر جفری هادون هستم در تدریسش در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس. این جلسه ۱۵، باستان‌شناسی و ظهور سلطنت اسرائیل است، شائول.